

شریعتی که به جز تعداد محدودی از احکام و قوانین اکثر احکام اجتماعیش مورد اختلاف فقیهان است نمی‌تواند مبنای اداره جامعه و حکومت باشد.

برای بسیاری از فقیهان "قانون اساسی" جایگاه محوری ندارد؛

# جمهوری اسلامی

یکی از اقتضات ضروری حکومت در دنیای امروز "التزام به قانون" است. از ادعای آن دسته از عالمان دینی که "چون ما شریعت داریم پس بی‌نیاز از قانون هستیم" بیش از یکصد سال می‌گذرد و هنوز عده‌ای از علما در همان فضا سیر می‌کنند.

به گزارش اسپادانا خبر، روزنامه جمهوری اسلامی در ادامه یادداشت نوشته است:

شریعتی که به جز تعداد محدودی از احکام و قوانین مورد وفاق، ضروری و مسلمش اکثر احکام اجتماعیش مورد اختلاف فقیهان است نمی‌تواند مبنای اداره جامعه و حکومت باشد زیرا جامعه نیاز به قانون دارد که وحدت از ویژگی‌های آن است. نیاز به یادآوری ندارد در یک جامعه اسلامی که اکثریت مردم به مکتب اسلام متعهدند قانون نمی‌تواند مخالف موازین اسلامی باشد اما فرق است میان آن که "فتوا" مبنای اداره جامعه باشد که متعدد و متکثر است و لذا به فکر فتوای معیار برای قانونگذاری بگردیم یا قانون معیار باشد که واحد است و بر مبنای "مصلحت عمومی" وضع می‌شود.

بیش از چهل سال از تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌گذرد، آن هم در مجلسی که اکثریت اعضایش علمای دین بودند تا مدار و معیار اداره جامعه باشد اما برای بسیاری از عالمان دین، حتی فقیهانی که باید نگهبان این قانون باشند، "قانون اساسی" فاقد جایگاه محوری در اداره جامعه است. باور اکثریت فقیهان شورای نگهبان در ادوار مختلف به فراقانونی بودن اختیارات رهبری و انجام وظایف خویش یعنی "بررسی مصوبات مجلس" و "نظارت بر انتخابات‌ها" و "تفسیر قانون اساسی" بر این اساس توسط نهاد شورای نگهبان شرع و قانون اساسی یکی از مهم‌ترین عوامل مشکلات کشور است. تنزل جایگاه مجلس خبرگان رهبری و تشکیل مجالسی ضعیف و ناتوان از انجام وظایف نظارتی، شکل مجلس شورای اسلامی ناتوان که نه تنها در راس امور، که در ذیل امور هم نبوده‌اند و دولت‌های فاقد اختیار لازم برای حل مشکلات کشور، خروج نهادهای قدرتمند از چارچوب اختیارات و وظایف قانونی خویش و... همگی از نتایج طفیلی دانستن قانون است.

برای اصلاح امور کشور "بازگشت به مسیر اصلی انقلاب یک ضرورت اجتناب ناپذیر" است، مسیری که شهید بهشتی در قانون اساسی ریل‌گذاری نمود. پای بندی به قانون اساسی و حرکت همه نهادها در چارچوب قانونی، و نیز به رسمیت شناختن حقوق ملت مانند حق تعیین سرنوشت، حق مشارکت اجتماعی و سیاسی، حق نقد و اعتراض، حق برخورداری از زندگی توأم با رفاه و آسایش، حق اشتغال، حق دادرسی عادلانه و...، که در فصل سوم قانون اساسی به رسمیت شناخته شده‌اند.

**برچسب ها:** [قانون اساسی](#) [1]

[اعتراض](#) [2]

[حوزه علمیه](#) [3]

[رسانه](#) [4]

